

برگردان: زهرا حسین پور
گروه نشریات پوششهای سطحی و پیام آبرکار
Hosseinpour@arkaazma.com

چکیده:

در شماره ۵۷ نشریه پوششهای سطحی در ارتباط با مهم‌ترین وجه کارآفرینی زنان و مشارکت اقتصادی آنان در ایجاد کسب‌وکار در بخش صنعت، لزوم برخورداری از دانش فنی و چگونگی ورود بانوان به این دانش فنی صحبت شد و همچنین جایگاه ایران در رتبه پنجم تحت عنوان فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و مهندسی و سهم ۲۴ درصدی بانوان در رشته‌های فنی و مهندسی مورد توجه قرار گرفت.

در نگاه اول ظاهراً فضای مردانه یکی از موانع تلقی می‌شد ولی زنان فعال کارآفرین در این حوزه این موضوع را برای ورود زنان به این کارزار یک فرصت می‌پنداشتند. در عین حال توجه دولت به تقویت صنایع کوچک در توسعه اقتصادی فرصت بسیار ارزشمندی برای حضور زنان در عرصه کسب و کار صنعتی مورد بحث قرار گرفت و در این راستا با ایجاد کارگروه مشترک با همکاری سه بخش خصوصی، نهادهای مدنی و دولت که می‌توانند تاثیر بسزایی بر جذب دانش‌آموختگان زن بگذارند صحبت شد و همچنین به تاثیر فضای پساتحریم در سال‌های گذشته که سبب ایجاد فرصت و رشد سرمایه‌گذاری خارجی و به علاقمندی بسیاری از شرکت‌های خارجی که خواستار همکاری با مجموعه‌هایی که هیأت مدیره آن‌ها متشکل از زنان می‌باشند، نیز اشاره شد.

حال در این شماره قصد داریم ضمن عرض تبریک هفته کارآفرینی بر تمام تلاشگران و کارآفرینان و مخصوصاً به بهانه ۲۸ آبان ماه که با محوریت کارآفرینی زنان نام‌گذاری شده است، نکاتی در بیان فرصت‌ها و چالش‌های حضور زنان به عنوان کارآفرینان جامعه و نهاد خانواده مطرح شود. خوشبختانه در شرایط موجود کمتر کسی است که بتواند نقش زنان را در توسعه اقتصادی و اجتماعی انکار کند، از سوی دیگر فرصت‌های آموزشی به گونه‌ای است که تحصیل زنان در سطوح عالی دانشگاهی نیز با درصدی بیشتر از مردان مورد توجه قرار گرفته است ولی با این حال شاهد حضور کم‌رنگ زنان در عرصه و فعالیت‌های اقتصادی هستیم. فعالان نهادهای مدنی هم در راستای دفاع از حقوق زنان سعی دارند تا دولت را وادار به مهیا ساختن بستری لازم در این زمینه نمایند با این وجود آنچه حائز اهمیت است نقش موانع درونی زنان برای حضور پرقدردت در عرصه کار و استقلال اقتصادی است. بی‌تردید رهایی از موانع درونی لازمه‌ی پیشرفت حرفه‌ای می‌باشد. از دیگر موانع مهم می‌توان به قدرت ترس اشاره نمود، آمارها نشان می‌دهد زنان نسبت به مردان از جاه‌طلبی کمتری برای رهبری برخوردارند که بخش زیادی از این ترس متأثر از قضاوت‌ها، انتظارات و باورهای کلیشه‌ای جامعه و ترس از عدم کنترل تعادل بین کار و زندگی و همچنین شکست، از جمله مواردی است که باید در زنان ریشه کن شود تا بتوانند آزادانه و بدون نگرانی در کار خود تلاش کنند. به این ترتیب عبور از ترس، راه را برای بلند پروازی و رسیدن به اهداف عالی شغلی فراهم می‌سازد. امروزه مفهوم رهبری از راهبری، تحلیلی، و عملگرآ بودن به فردیتی که صادقانه بیان می‌شود تغییر کرده و این به نفع زنانی است که معمولاً از واقعیت‌ها و توانمندی‌های حسی وجودی خود کوتاهی کرده و آن‌ها را وارونه نشان می‌دهند تا با کلیشه اجتماع پسند، همخوان‌تر شوند. دراززیایی‌ها اغلب انتظار می‌رود مردان مهیا کننده، قاطع و پیشرو باشند و در عوض زنان مراقبت کننده، حساس و خدمت‌گذار...

در این شرایط است که می‌بینیم زنان برای دستیابی به شغل و برآورده ساختن ایده‌های نوین، با تردید روبرو می‌شوند. از آنجا که تعریف کارآفرینی به معنای خلق فرآیند ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فرد از منابع به منظور بهره‌گیری هرچه بهتر از فرصت‌های موجود می‌باشد، زنان کارآفرین با توجه به روحیات ظریف و عادت درونی در خلق ارزش از موفق‌ترین کارآفرینان

مطرح می‌شوند. مشارکت زنان در عرصه‌های کارآفرینی، جامعه اقتصادی را با تعدیل صلح آمیزتر و انسانی‌تر مواجه کرده است و مهم‌ترین چالش، ذهنیت معطوف به تفکیک جنسیتی سنتی (چالش جایگاه و موازنه قدرت) است که پذیرش آن از سوی زنان کارآفرین دشوار می‌باشد. زنان کارآفرین، زنان پیشرویی هستند که قدرت خلق فرصت‌های مالی را دارند. آن‌ها هم با حضور در جامعه‌ای که می‌کوشد از موانع خواسته و ناخواسته زنان عبور کند و برای رشد و تحول مثبت جامعه آن‌ها را یاری دهد. یکی از ویژگی‌های بارز کارآفرینی زنان این است که دست روی دست نمی‌گذارند تا جامعه نقشی را برای آن‌ها تعریف کند، بلکه آن‌ها با پذیرش تمام مسئولیت‌های یک تصمیم‌گیری با آگاهی و مدیریت لازم به نقش خود به عنوان یک حلقه مهم در زنجیره تحول اقتصادی، ارزش می‌آفرینند. تحقیقات در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که زنان تمایل به کسب و کار با مقیاس کوچک‌تر دارند، تنوع موضوع کسب و کار در زنان بیشتر است، در تلاطم‌های اقتصادی زنان و مردان کارآفرین به یک میزان تاب‌آوری دارند، انتظار درآمد زنان از کسب‌وکار نسبت به مردان کمتر است و در نهایت موانع زندگی شخصی و ارزش‌های بازدارنده اجتماعی بر انگیزه زنان برای ایجاد کسب‌وکار تأثیر بیشتری نسبت به مردان دارد.

عمده چالش‌های زنان کارآفرین را به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- ۱- عدم حمایت فرهنگ و جامعه ایران از زنان
- ۲- پایین بودن سطح مهارتی زنان در حوزه مدیریت کسب و کار
- ۳- وظایف چندگانه متعدد در جامعه و خانواده
- ۴- عدم فرهنگ مشارکت‌پذیری در خانواده و جامعه
- ۵- کوچک بودن شبکه‌های اجتماعی زنان در حوزه کسب و کار

در نتیجه با توجه به چالش‌های موجود، راهکارهایی برای بهبود و توسعه کارآفرینی زنان به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱- ایجاد نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی زنان با کمک تقویت الگوهای نقش
- ۲- کمک به ارتقای سطح مهارتی مدیریت کسب و کار با کمک منتورها
- ۳- کمک به ایجاد زیر ساخت برای پایگاه اطلاعاتی زنان کارآفرین
- ۴- آموزش تمام سطوح جامعه بر مبنای توسعه الگوی فرهنگ مشارکت‌پذیری در خانواده
- ۵- حمایت موثر نهادهای مدنی که در حوزه دفاع از حقوق زنان فعالیت می‌کنند.

در نتیجه بر اساس نظریه ویدمن فاکتورهای کشش و فاکتورهای رانش روی انگیزه زنان برای کارآفرینی موثر می‌باشد. لازم می‌دانم با تاکید بر اهمیت اشاعه کارآفرینی زنان، این مطلب را به عنوان تجربه شخصی بیان کرده که زنان کارآفرین به دلیل استقلال در تعیین ساعت کاری نسبت به زنان شاغل، برخوردار از ویژگی شخصیتی، خلاقیت و نوآوری و قدرت تصمیم‌گیری بهتر، قادر می‌باشند تا درک مؤثرتری از هارمونی زندگی و کار داشته باشند.